

Semi- Annual Journal of Civil Law Knowledge

Open
Access

ORIGINAL ARTICLE

The Status and Instances of Corrective Justice in Contract Law, Comparative Study in Common Law and Iran

Ahmed Yousefzadeh¹

1. Assistant Professor of Law Department, Azarbaijan Shahid Madani University, Azarbaijan, Iran.

Correspondence:
Ahmad Yousefzadeh
Email:
ahmadusefzadeh@yahoo.com

ABSTRACT

Establishing justice in contracts has always been the subject of many challenges, most notably the differences in explaining the concept of justice as well as the various ways in which it is implemented, including distributive and corrective justice. Accordingly, the main challenge of this research is to examine the concept of corrective justice and its place in the field of contract law and to examine some of its important instances in common law Iranian law. At the end of this article, it will be clear that reform justice is nowadays applied in the field of contract law in the assumption that the benefit of one contract equals the loss of the other party and that the correction of wrongful conduct in the performance of contracts is the result. This face of justice is in many ways, including disgorgement, expectation interest, contra proferentem in current contract law.

KEY WORDS

Reciprocal Justice, Distributive Justice, Disgorgement, Expectation Interest, Contra Proferentem.

How to cite

Yousefzadeh, A. (2023). The Status and Instances of Corrective Justice in Contract Law, Comparative Study in Common Law and Iran, Civil Law Knowledge, 12 (2), 1-12.

نشریه علمی

دانش حقوق مدنی

«مقاله پژوهشی»

جایگاه و مصادیق عدالت اصلاحی در حقوق قراردادها بررسی تطبیقی در حقوق کامن لا و ایران

احمد یوسفزاده^۱

۱. استادیار گروه حقوق، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، آذربایجان، ایران.

چکیده

لزوم برقراری عدالت در قراردادها همواره محل چالش‌های فراوانی بوده است. عمده این چالش‌ها به اختلاف در تبیین مفهوم عدالت و همچنین شیوه‌های مختلف اجرای آن، از جمله عدالت توزیعی و اصلاحی بازمی‌گردد. بنابراین، چالش اصلی این مقاله عبارت است از بررسی مفهوم عدالت اصلاحی و جایگاه آن در حوزه حقوق قراردادها و بررسی برخی از مصادیق مهم آن در حقوق قراردادها با تأکید بر نظام کامن لا. در انتها مشخص خواهد شد که امروزه عدالت اصلاحی در فرضی که سود یک‌طرف قرارداد مساوی با ضرر طرف دیگر است، در حوزه حقوق قراردادها اعمال می‌شود و نتیجه آن، اصلاح اعمال اشتباه صورت‌گرفته در اجرای قراردادها است. این چهره از عدالت، به اشکال مختلفی از جمله، دیسگورجمنت (استرداد منافع ناشی از نقض قرارداد اول و انعقاد قرارداد دوم)، جبران منافع قابل انتظار و قاعده تفسیر علیه انشاکنده در حقوق قراردادها جاری است.

واژه‌های کلیدی

عدالت معاوضی، عدالت توزیعی، منافع ناشی از طمع‌ورزی، منافع قابل انتظار، تفسیر علیه انشاکنده قرارداد.

نویسنده مسئول:

احمد یوسفزاده

رایانامه: ahmadusefzadeh@yahoo.com

استناد به این مقاله:

یوسفزاده، احمد (۱۴۰۲). جایگاه و مصادیق عدالت اصلاحی در حقوق قراردادها بررسی تطبیقی در حقوق کامن لا و ایران، دوفصلنامه علمی دانش حقوق مدنی، ۱۲ (۲)، ۱-۱۲.

مقدمه

عبارت است از اقدام خواننده که با حق خواهان ناسازگار بوده است.

امروزه دکترین حقوقی به این سمت تمایل یافته که کلیه مبانی حقوق قراردادهای بر اساس تئوری عدالت اصلاحی تفسیر گردد^۵ و این تئوری باید در زمینه تفسیر تعهدات قراردادی و مسئولیت‌های قراردادی مورد استفاده قرار گیرد. لذا، در این مقاله، رویکرد عدالت اصلاحی را در حقوق قراردادهای مورد بررسی قرار خواهیم داد. ابتدا مفهوم آن را در تمایز از عدالت توزیعی را بررسی خواهیم نمود و سپس، ضمن بررسی ارتباط عدالت اصلاحی و مسئولیت‌های مبتنی بر تقصیر و مسئولیت‌های مطلق، به بررسی مصادیق اعمال عدالت اصلاحی در جبران خسارات قراردادی و تفسیر حقوق و تعهدات طرفین خواهیم پرداخت. فرضیه اصلی این مقاله بر این اساس استوار است که اعمال یافته‌های عدالت اصلاحی در حقوق خصوصی، موجب تصحیح بسیاری از اعمال نادرست و جبران خسارت مناسب برای افرادی می‌شود که از اقدامات طرف مقابل خود آسیب دیده‌اند.

تعریف عدالت اصلاحی

عدل در لغت، در معانی متعددی همچون برابری، انصاف و در مقابل ظلم و ستم به کار رفته است. (معلوف، ۱۹۷۳، ذیل واژه عدالت) همچنین گفته شده است که عدالت یعنی ترک جرائم بزرگ و اصرار نوزیدن بر جرائم کوچک و رعایت مروت و مروت عبارت است از اتصاف به اموری که پسندیده است به حسب مکان و زمان و شأن شخص. عکس عدالت را فسق گویند. همچنین عدل و انصاف به معنی گذاشتن پایه احقاق بر مساوات در مقابل قانون و احترام به حقوق افراد است. عدالت در معنای دیگر، در مقابل قوانین جاری کشوری است؛ یعنی نظری که از قوانین گرفته نشده است و حتی ممکن است مغایر با آن باشد، در عین حال که عرف مصداق عدل و انصاف شمرده می‌شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷ الف، ذیل واژه عدالت)

عدالت به معنای خاص، جزئی از فضیلت و در عرض سایر فضایل است نه همه آن. (صادقی، ۱۳۸۱: ۶۱) عدالت در این معنا خود دارای اقسامی است:

به طور معمول، در نظریه پردازی حقوق خصوصی شاهد دو شیوه بعضاً متضاد هستیم، یک شیوه که شیوه غالب‌تر نیز هست، حقوق خصوصی را از طریق تأثیرات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آن مورد بررسی قرار می‌دهد (Calabresi, 1970: 4; Kennedy, 1982: 563;) (Kronman, 1980: 472). درحالی که در رویکرد دوم که همان رویکرد عدالت اصلاحی است، بر وصف «خصوصی بودن» تأکید داشته و معتقد است که خصوصی بودن باید نقطه آغاز فهم حقوق خصوصی باشد. (Weinrib, 2012: 65; Coleman, 1992 a: 637; Fletcher, 1972: 537) بدیهی است که اگر خصوصی بودن را نقطه آغاز فهم حقوق خصوصی قرار دهیم، تفاوت‌های ناگزیری با رویکرد اول، در فهم ما از حقوق قراردادهای ایجاد می‌شود. به همین دلیل است که در تحلیل عدالت اصلاحی ارسطو از حقوق خصوصی، این قلمرو از حقوق دارای ویژگی‌های خاص خود بوده و مجزا از قلمرو اجتماع، اقتصاد، فرهنگ و سیاست است (Weinrib, 2012: 11-14)؛ چراکه رویکرد وی، بر اساس رویکرد عدالت اصلاحی استوار است. این رویکرد در میان دکترین حقوقی معاصر نیز طرفداران فراوانی دارد. از منظر واینریب^۲ که یکی از اصلی‌ترین توسعه‌دهندگان نظریه عدالت اصلاحی در حوزه حقوق قراردادهای بوده است، یک قاعده بدیهی در مورد مسئولیت مدنی قراردادی وجود دارد که بیان می‌دارد: «مسئولیت خواننده، حق خواهان است.»^۳ بنابراین، از منظر این قاعده، ارتباط متقابلی^۴ میان لزوم جبران خسارت از سوی خواننده و حق خواهان بر جبران خسارات وجود دارد (Weinrib, 2000: 2) و بدیهی بودن این قاعده به لزوم وجود ارتباطی خاص میان دو فرد (در قالب قرارداد) در حقوق خصوصی بازمی‌گردد. لذا، همان استدلالی که حمایت از حق خواهان را موجه می‌سازد، وجود وظیفه مراقبت خواننده را نیز توجیه می‌نماید. به بیان دیگر، خواهان به همان دلیلی مستحق جبران خسارات است که خواننده مکلف به پرداخت خسارات. بر این اساس، چیزی که برای خواهان ناعادلانه بوده و باید اصلاح شود (عدالت اصلاحی)

1Private

2Weinrib

3 Liability of the defendant is, by that very circumstance, the entitlement of the plaintiff

4Correlativity

۵. برخی مصادیق اصلی این نوع تفسیر در انتهای این مقاله مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

اصلاحی از منظر ارسطو، اعمال حقوقی و وقایع حقوقی را به نحو یکسانی دربرمی گیرد و لذا شامل مسئولیت‌های قراردادی و مسئولیت‌های خارج از قرارداد می‌شود. در ادامه ضمن بررسی ارتباط عدالت اصلاحی و مسئولیت مدنی قهری و قراردادی، زمینه را برای بررسی مصادیق اعمال عدالت اصلاحی در حقوق قراردادهای آماده خواهیم نمود.

عدالت اصلاحی در مسئولیت‌های خارج از قرارداد

همان‌طور که اشاره شد، عدالت اصلاحی در مسئولیت‌های قراردادی و خارج از قرارداد جاری است^۱ و بر این مسئله تمرکز دارد که در چه مواردی یک‌طرف اقدامی صورت داده و طرف مقابل از آن متضرر شده، اعم از اینکه این مسئله در روابط قراردادی اتفاق افتاده باشد یا روابط خارج از قرارداد، اما پذیرش عدالت اصلاحی در حوزه حقوق قراردادهای با چالش‌های بیشتری روبه‌رو است؛ چرا که می‌تواند منجر به دخالت دادگاه‌ها در توافق‌های طرفین قرارداد شود. بنابراین، در ادامه ابتدا به بررسی عدالت اصلاحی در مسئولیت‌های قهری خواهیم پرداخت و سپس، چالش‌های اعمال عدالت اصلاحی در حقوق قراردادهای را مورد ارزیابی قرار خواهیم داد.

۱. عدالت اصلاحی و تئوری تقصیر

تحت تئوری تقصیر، شخص زیان‌دیده در صورتی مستحق جبران خسارت است که خسارت، در نتیجه تقصیر شخص دیگری ایجاد شده باشد. ویلیام پراسر استاد آمریکایی در زمینه تاریخ مبنای مسئولیت می‌نویسد: «همراه با پرورش وجدان اخلاقی این تمایل عمومی نیز به وجود آمد که مسئولیت حقوقی باید نتیجه رفتاری باشد که از یک همشهری خوب انتظار نمی‌رود. این تمایل به‌اندازه‌ای شدید بود که نویسندگان را بر آن داشت تا نظریه مسئولیت را بر این اصل پایه‌گذاری کند که هیچ مسئولیتی نباید بدون تقصیر ایجاد شود».

(Prosser, 1978: 7)

خساراتی که به دلیل تقصیر شخص دیگری ایجاد شده باشند، اعمال اشتباهی هستند و بر طبق تئوری عدالت اصلاحی بایستی اصلاح شوند. بنابراین، شخص زیان‌دیده می‌تواند بر اساس مسئولیت مبتنی بر تقصیر، درخواست جبران خسارت نماید. با وجود این، این تعهد شخص تقصیرکار به جبران

نخست: عدالت توزیعی که به معنای رعایت عدالت در توزیع منافع و امتیازات در جامعه متناسب با استحقاق افراد. دوم: عدالت اصلاحی که رعایت تناسب حساسی در معاملات خصوصی است.

برای توضیح باید گفت که این تعریف عدالت اصلاحی مبتنی بر تعریف ارسطو از این عدالت است. (Aristotle, 32: 1999) ارسطو در توصیف این دو شکل عدالت، معتقد است که عدالت توزیعی در توزیع منابع^۱ و عدالت اصلاحی^۲ در معاملات^۳ اتفاق می‌افتد. (Weinrib, 2012: 61) از نظر وی، معامله، ارتباط متقابلی است که در تطابق با عدالت اصلاحی صورت می‌پذیرد.^۴ در واقع، ارسطو معتقد است که عدالت اصلاحی برابری حساسی (ریاضی) است که طبق آن، همه افراد بدون توجه به شایستگی‌ها، به‌طور کامل برابر هستند. (Aristotle, 1999: 12) حال از منظر عدالت اصلاحی، اگر کمیتی که حقیقتاً متعلق به فرد «الف» است، به‌طور غیر قانونی در اختیار فرد «ب» قرار گرفته باشد، باید به وی بازگردانده شود (اصلاح شود). (Weinrib, 2012: 63) لذا، عدالت اصلاحی زمانی نقض می‌شود که منافع حاصل شده برای یک‌طرف، به هزینه طرف دیگر تحصیل شده باشد. (Malin, 1992: 119) عدالت اصلاحی این ناعدالتی را اصلاح می‌نماید و به همین دلیل است که آن را عدالت اصلاحی می‌نامند. این در حالی است که عدالت توزیعی، برابری تناسبی را مقرر می‌دارد که به‌موجب آن، هر فرد به میزان شایستگی‌هایی که دارد در تقسیم منافع جامعه سهیم است. بنابراین، برخلاف عدالت اصلاحی، عدالت توزیعی در توزیع منافع، میزان شایستگی فرد را مورد توجه قرار می‌دهد. (Ibid) بنابراین، مشخص است که عدالت اصلاحی روابط بحث‌برانگیزی با سایر انواع عدالت دارد و برای مثال، ممکن است اهداف عدالت توزیعی در تنش با عدالت اصلاحی باشد. در نتیجه، باید توجه داشت که در بحث عدالت اصلاحی، به دست آوردن سود و زیان متقابل نیست؛ یعنی به این صورت نیست که هر یک از طرفین سودی به دست آورده و زبانی را تحمل نموده باشند، بلکه خواننده منافی را به دست آورده که خواننده از دست داده است، به بیان دیگر، کسب منافع یک‌طرف، ضرر طرف مقابل بوده است. (Ibid: 121) علاوه بر این، عدالت

1 Distribution

2 Corrective Justice

3 Transaction

۴. لذا نباید معنای ترنزکشن را با معنای معامله در حقوق ایران خلط نمود.

5 voluntary and involuntary transactions (today's contracts and torts)

۲. عدالت اصلاحی و مسئولیت بدون تقصیر

در مسئولیت بدون تقصیر، مسئولیت عامل ورود زیان همواره وجود دارد و زیان زنده مطلقاً مسئول است و حتی اگر ثابت نماید که تقصیری نکرده است و یا علت ورود زیان و خسارت، قوه قاهره بوده است؛ این مسئله نیز موجب رفع مسئولیت از شخص نیست. برخلاف مسئولیت‌های مبتنی بر تقصیر، مسئولیت‌های بدون تقصیر ناشی از اعمال اشتباه در معنای رایج آن نیستند. (Coleman, 1975: 173-78) در مسئولیت‌های قراردادی نیز اصولاً تقصیر یا عدم تقصیر ناقض قرارداد مطرح نمی‌شود. در واقع، برای احراز وجود مسئولیت مدنی قراردادی در فقه و حقوق ایران و حقوق تطبیقی، تنها نیاز به وجود قرارداد، ورود زیان و اثبات رابطه سببیت میان زیان وارده و نقض قرارداد است. (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ج ۱/ ۷۲؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸ ب: ۲۷۸؛ صفایی، ۱۳۸۲: ج ۲/ ۲۰۶) بر این اساس، اعمال نظریه عدالت اصلاحی در حوزه مسئولیت‌های قراردادی با یک چالش جدی روبه‌رو است. در واقع، همان‌طور که در بیان مفهوم عدالت اصلاحی بیان شد، عدالت اصلاحی به دنبال اصلاح خطاهای اخلاقی است. بنابراین، با توجه به اینکه حقوق قراردادهای به مسئله خطاهای اخلاقی نمی‌پردازد، در بادی امر، امکان تفسیر آن در چارچوب نظریه عدالت اصلاحی نیز فراهم نیست. با وجود این، دکترین حقوقی در سال‌های اخیر معتقد است که عدالت اصلاحی به دنبال اصلاح زیان‌هایی است که ناروا می‌باشند، صرف‌نظر از اینکه زیان نتیجه خطا است یا خیر. با پذیرش این رویکرد، عدالت اصلاحی می‌تواند در حقوق قراردادهای نیز اعمال گردد، لذا در ادامه به تبیین بیشتر این موضوع خواهیم پرداخت.

چالش‌های اعمال عدالت اصلاحی در حقوق قراردادهای

اعمال نظریه عدالت اصلاحی در حوزه حقوق قراردادهای با دو چالش اصلی روبه‌رو است: نخست، مطلق بودن مسئولیت‌های قراردادی و دوم، نظریه برخی حقوقدانان مبنی بر لزوم اعمال عدالت توزیعی در حقوق قراردادهای به جای عدالت اصلاحی که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

۱. مطلق بودن مسئولیت‌های قراردادی

چالش اصلی طرفداران اعمال نظریه عدالت اصلاحی در حوزه حقوق قراردادهای به این مسئله بازمی‌گردد که در مسئولیت‌های

خسارت در برخی موارد دچار پیچیدگی‌هایی می‌شود. در عمل، در دو مورد، عدالت اصلاحی از تئوری تقصیر حمایت می‌کند: نخست: مواردی که در آن تقصیر فرد نه تنها موجب زیان شخص دیگری می‌شود، بلکه برای خود فرد مقصر نیز منافی ایجاد می‌کند و دوم، مواردی که شخصی از طریق عمل تقصیرآمیز، منافی برای خود کسب می‌نماید؛ مانند دارا شدن ناعادلانه شخص با ارتکاب عمل تقصیر آمیز که در این فرض، فرد مقصر، منافی را به هزینه شخص دیگری تحصیل نموده است. (Colman, 1982: 424) در سایر موارد ممکن است تنها جبران خسارت بر مبنای تئوری تقصیر صورت گیرد و تئوری عدالت اصلاحی تنها از تعهد مقصر به جبران خسارت (و نه حق زیان‌دیده به جبران خسارت) حمایت کند؛ چراکه در این موارد تحصیل منافع غیرقانونی رخ نداده است که عدالت اصلاحی اقدامی در راستای جبران آن نماید.

برای مثال، وضعیت راکب وسیله نقلیه‌ای را در نظر بگیرید که به دلیل غفلت، خساراتی را بر شخص دیگری وارد نموده است، از سوی دیگر، این راکب وسیله نقلیه از طریق عدم هزینه در اقدامات متعارف برای پیشگیری از وقوع خسارت، در هزینه‌های خود صرفه‌جویی نموده است. با وجود این، در فرض مزبور هیچ تحصیل منفعتی که متقابل با ایجاد ضرر بوده باشد رخ نداده است و تعهد مقصر به جبران خسارت و حق شخص زیان‌دیده در دریافت جبران خسارت دارای ارتباط متقابل نبوده و لذا نمی‌توان هر دو مورد (حق جبران خسارت و تعهد به جبران خسارت) را تحت نظریه عدالت اصلاحی دانست. (Colman, 1982: 425)

در حقوق ایران به‌طور معمول چنین تفکیکی میان تعهد به جبران خسارت به‌عنوان حق متضرر و وظیفه جبران خسارت به‌عنوان تکلیف زیان زنده دیده نمی‌شود. در این خصوص باید توجه داشت که در عمل چنین تفکیکی تنها از حیث تئوری عدالت اصلاحی دارای فایده عملی است و در صورتی که جبران خسارت تنها بر اساس تئوری‌های مسئولیت مبتنی بر تقصیر و یا تئوری‌های مبتنی بر مسئولیت بدون تقصیر و ... صورت گیرد، اصولاً نیازی به این تفکیک نیست، اما در صورتی که عدالت اصلاحی به‌عنوان یکی از مبانی مسئولیت در حقوق ایران وارد شود و انواعی از مسئولیت بر اساس آن ایجاد گردد، در این صورت لازم است در مواردی اعمال شود که تقابل میان این حق جبران خسارت و تعهد به جبران خسارت وجود داشته باشد.

قراردادی برخلاف مسئولیت‌های خارج از قرارداد، به خطا توجهی نمی‌شود. مسئولیت خارج از قرارداد به ناروا بودن عمل در قالب عمد یا غفلت توجه دارد، در حالی که مسئولیت‌های قراردادی عمده‌تاً مطلق هستند. در تفسیر رایج از حقوق قراردادهای، متعهدله انتظار ندارد که متعهد بهترین تلاش ممکن خود را در راستای اجرای تعهد به کاربرد، بلکه متعهدله انتظار دارد که وی تعهدش را انجام دهد. در صورت عدم انجام تعهد، دکنترین حقوق قراردادهای به علت عدم انجام تعهد، ولو اینکه از منظر اخلاقی عدم اجرای تعهد را موجه نماید. (Coleman, 1975: 314) بر این اساس است که در رویکرد فعلی به حقوق قراردادهای، صحبت از عدالت اصلاحی عجیب به نظر می‌آید.

اساس ارتباط عدالت اصلاحی به مسئولیت‌های قراردادی به درک این نکته وابسته است که ورود ضرر ناروا است، حتی اگر نتیجه عمل خطا نباشد. این شیوه تفکیک میان ضرر ناروا و عمل خطا ریشه در مسئولیت‌های خارج از قرارداد دارد که به حقوق قراردادهای نیز رسوخ کرده است. در مسئولیت‌های خارج از قرارداد به دو دیدگاه عمده روبه‌رو هستیم. در دیدگاه نخست، وقوع عمل خطا مدنظر است، به بیان دیگر، عامل تعیین‌کننده در ایجاد مسئولیت مدنی، عمل خطا است (Weinrib, 1983: 44) و در مقابل، دیدگاه دوم معتقد است که مسئولیت‌های خارج از قرارداد به ضررهای ناروا می‌پردازد و خطا بودن عمل، مربوط به بحث امکان استناد زیان‌های وارده به شخص زیان‌زنده است. (Coleman, 1992 b: 351) برای درک بهتر این نظریه باید دانست که در این نظریه بین زمینه جبران خسارت^۱ و زمینه مسئولیت^۲ تفاوت است. زمینه جبران خسارت به معنای شرایطی است که باید وجود داشته باشد تا ادعای جبران خسارت قابل قبول باشد. به عنوان مثال، لزوم ورود خسارت به خواهان و عدم استناد ضرر به خود وی از جمله شرایط جبران خسارت می‌باشند، اما زمینه مسئولیت، شرایطی هستند که باید وجود داشته باشند تا تحمیل مسئولیت عادلانه باشد. (Coleman, 1992 b: 352)

اصولاً شخصی باید مسئول تلقی شود که اشتباه از او سرزده و یا سودی را از عمل خود برده است. بنابراین، در ابتدا باید مشخص شود که آیا خواهان مستحق جبران خسارت است یا خیر و پس از آن باید مشخص شود که چه کسی مسئول

پرداخت خسارت است. (Coleman, 1992 b: 352) این تفکیک از این حیث واجد اهمیت است که ممکن است بر طبق قواعد مسئولیت مدنی، اصولاً زیان‌دیده واجد حق جبران خسارت تشخیص داده نشود و یا در صورتی که حق جبران خسارت برای وی احراز شود، شخص مسئول به دلایل قانونی از جبران خسارت معاف گردد. این مسئله در فقه و حقوق ایران نیز وجود دارد. در فقه و حقوق ایران نیز ابتدا باید دید که آیا اصولاً حقی که خواهان مدعی آن است، حقی است که تحت پوشش قانون قرار گرفته باشد؟ برای مثال در صورتی که خواهان ادعا نماید که خمره‌های شراب وی توسط خواننده شکسته شده، اصولاً شراب به دلیل عدم مالیت مشمول قاعده جبران خسارت نخواهد بود. تنها پس از احراز حق جبران خسارت است که می‌توان به کمک تئوری‌های موجود در باب اتلاف و تسبیب به تعیین شخص یا اشخاص مسئول پرداخت. (دیانی و براهیم باستانی، ۱۳۹۶: ۵۸)

برجسته‌ترین مدافع دیدگاه اخیر در حقوق کامن‌لا، جولز کولمن است. (Coleman, 1998: 257, 302) نظریه کولمن با در نظر گرفتن این مسئله آغاز می‌شود که ضرر به عنوان یک واقعیت در جهان وجود دارد و هزینه‌های آن باید از سوی یک نفر تحمل شود. حال باید دید که آیا شخصی غیر از قربانی وجود دارد که به موجب ارتباطش با ضرر، مسئولیت آن را به دوش بگیرد یا خیر. (Coleman, 1992 a: 258; Perry, 1992: 381; Weinrib, 1983: 36) به بیان دیگر، ممکن است شخص زیان‌دیده خود عامل ورود زیان بوده و از این حیث شخص دیگری ملزم به جبران خسارات تشخیص داده نشود. بنابراین، باید پذیرفت که این واقعیت که ضرری ناروا است، اثبات می‌نماید که متضرر حق دریافت غرامت داشته و بالعکس، این واقعیت که واردکننده ضرر در قبال ضرر ناروای خود مسئول است، اثبات می‌نماید که وی مکلف به پرداخت غرامت است.

در مقابل، طرفداران نظریه اول و در رأس آنها واینریب^۳ استدلال می‌نماید که عدالت اصلاحی اساساً به اصلاح عمل خطا می‌پردازد تا ضرر ناروا. (Weinrib, 1983: 45) بر مبنای این دیدگاه، زمانی که عواملی مسئول خطایی هستند، عدالت اصلاحی آنها را ملزم می‌سازد تا نتایج مضر اقدام تخلف برانگیزشان را از طریق جبران ضررهایی که اقدام تخلف آمیزشان ایجاد کرده است، جبران سازند. از نظر واینریب، ناروا

1 grounds of recovery

2 grounds of liability

3 Weinrib

خصوص در قسمت بعدی مقاله بررسی مبسوط صورت خواهد گرفت.

برخی مصادیق قابل اعمال عدالت اصلاحی در حقوق ایران

عدالت اصلاحی در حوزه حقوق قراردادها به اشکال مختلفی قابل اعمال است، اما به نظر می‌رسد دو مورد بسیار کاربردی در حقوق ایران چندان مورد توجه قرار نگرفته است که در ادامه به بررسی این دو مورد خواهیم پرداخت.

۱. استرداد منافع ناشی از طمع‌ورزی (دیسگورجمنت) از منظر عدالت اصلاحی

در حقوق آمریکا در قالب اصلاحیه دوم قراردادها مصوب ۱۹۸۱ میلادی در مواردی که تعهدات به‌طور عمدی نقض شده در سه حالت جبران خسارت انجام می‌شود:

«بازگرداندن منافع»^۳ که هدف این جبران خسارت که ناظر برطرف ناقض قرارداد است (Virgo, 2006: 6)، بازگرداندن طرف نقض‌کننده قرارداد به موقعیتی است که قبل از قرارداد داشته که با بازگرداندن منافی که از طرف غیر ناقض به دست آورده است، صورت می‌گیرد. در مقابل در جبران «منافع اعتمادی»^۴ هدف این است که فرد غیر ناقض، در موقعیتی قرار بگیرد که گویا نقض اتفاق نیفتاده است. در واقع، در برخی قراردادها، یکی از طرفین با اعتماد به اجرای تعهد از سوی طرف مقابل، اقدام به هزینه‌هایی می‌نماید، در صورت نقض قرارداد از سوی طرف مقابل، این هزینه‌ها قابل مطالبه است. (Bebchuk, & Ben- Shahr, 2001: 423-457)

جبران «منافع قابل انتظار»^۵ نیز به شخص غیر ناقض قرارداد نظر دارد و هدف آن، قرار دادن وی، در وضعیتی است که قرارداد به‌طور کامل اجرا شده و منافع آن برای وی حاصل می‌گردید. (Sadanand, 1989: 912)

جبران خسارت «بازگرداندن منافع قرارداد دوم» که به آن «دیسگورجمنت»^۶ گفته می‌شود. این نوع جبران خسارت از سه نوع قبلی پیش‌تر رفته و طبق آن، در صورتی که یک‌طرف با نقض قرارداد (طرف الف)، اقدام به انعقاد قرارداد مشابه با طرف ثالثی نماید، شخص ب که طرف قرارداد نخست بوده و از این

بودن ضرر تنها می‌تواند از خطا بودن عمل ناشی شود (Ibid: 63-66) و از نظر وی، کل موضوع غرامات، از بین بردن نتایج اقدام تخلف‌آمیز است. (Ibid: 187-90) از این منظر می‌توان گفت که عدالت اصلاحی در حوزه حقوق قراردادها به دنبال اصلاح از دست رفتن حق متعهدله بر اجرای تعهد است، فارغ از این مسئله که این نقض ناشی از عمل خطا بوده است یا خیر. (Ibid: 187-90) در نتیجه مشخص است که رویکرد مزبور با وجود مطلق بودن مسئولیت‌های قراردادی این مسئله خود می‌تواند مبنای اعمال تئوری عدالت اصلاحی در حقوق قراردادها باشد.

۲. لزوم اعمال عدالت توزیعی در حقوق قراردادها به جای عدالت اصلاحی

چالش دوم است که برخی حقوقدانان معتقدند، برخی شیوه‌های جبران خسارت در حقوق قراردادها محل اعمال عدالت توزیعی است و نه عدالت اصلاحی؛ چراکه حقوق قراردادها به بحث جبران منافع قابل انتظار می‌پردازد و تلاش دارد تا طرف غیر ناقض قرارداد را در موقعیتی قرار دهد که پیش از قرارداد داشته است و این مسئله از نظر ایشان امری توزیعی است تا اصلاحی. (Fuller & Perdue, 1936: 373) در این نظریه، با اشاره به این نکته که جبران منافع قابل انتظار^۱ ممکن است بیش از میزان خساراتی باشد که در عمل و با اعتماد به قرارداد اتفاق افتاده است، نمی‌توان ماهیت منافع قابل انتظار را جبران خسارت^۲ صرف دانست. بر این اساس، با توجه به اینکه عدالت اصلاحی فراتر از خسارات وارده نمی‌رود، لذا جبران خسارت منافع قابل انتظار را باید بر مبنای عدالت توزیعی توجیه نمود، اما بررسی دقیق‌تر ضعف این تحلیل را نشان می‌دهد؛ زیرا همان‌طور که برخی دیگر از حقوقدانان تصریح نموده‌اند، ماهیت جبران منافع قابل انتظار، جبران خسارت است (Weinrib, 1998: 136-40; Weinrib, 2003: 62-70). (Benson, 2001: 60)؛ چراکه حق متعهدله بر اجرای تعهد، در زمان انعقاد قرارداد ایجاد شده و با عدم اجرای تعهد از سوی متعهد نقض شده است. بنابراین، این مورد مصداق نظریه عدالت اصلاحی است. (Benson, 2001: 60) در این

3Restitution interest
4Reliance interest
5Expectation interest
6Disorgement

۱. جبران «منافع قابل انتظار» (expectation interest) به شخص غیر ناقض قرارداد نظر دارد و هدف آن، قرار دادن وی، در وضعیتی است که قرارداد به‌طور کامل اجرا شده و منافع آن برای وی حاصل می‌گردید.
2compensatory

قواعد مسئولیت مدنی نیز است. امروزه دکترین حقوقی و رویه قضایی در بسیاری از کشورهای حوزه کامن لا، بر نقش مسئولیت مدنی قهری در پیشگیری از خسارت نیز تأکید دارند. (Owen, 1985: 669) در واقع، از نظر اقتصادی، قواعد مسئولیت مدنی قهری باید به نحوی وضع شوند که اصولاً افراد، اقدامات و احتیاط‌های لازم را در زمینه عدم وقوع خسارت در نظر بگیرند. در مرحله بعد، اگر این اقدامات مؤثر نبود و خسارتی رخ داد، جبران خسارت صورت گیرد. این مسئله از یک سو مبتنی بر تئوری اقتصادی حقوق مسئولیت مدنی است. در واقع، از حیث تحلیل اقتصادی در صورتی که قواعد مسئولیت مدنی قهری بر پیشگیری نیز تمرکز نماید، این مسئله کارآمدتر از وضعیتی است که در آن فقط به بحث جبران خسارت توجه می‌شود؛ چراکه این مسئله به پیشگیری از اتلاف منابع در قالب پیشگیری از خسارات، کاهش دعاوی اقامه‌شده و ... نیز کمک می‌کند.

قواعد مسئولیت مدنی قهری می‌تواند به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم از وقوع خسارات جلوگیری کند. در پیشگیری مستقیم، در صورتی که شخصی با قواعد مسئولیت مدنی قهری که به منظور پیشگیری طرح شده‌اند، مواجه شود (قواعدی که به فراتر از بحث جبران خسارت می‌پردازند)، به منظور اجتناب از مسئولیت از انجام فعالیت‌های خطرناک یا تقصیر آمیز خودداری می‌نماید. این شیوه‌ای است که قواعد مسئولیت مدنی قهری ساخته دادگاه‌های کامن لا از آن استفاده می‌کنند. (Eisenberg, 1998: 350) در پیشگیری غیرمستقیم که از آن به پیشگیری بازار نیز یاد می‌شود، در صورتی که بر طبق قواعد مسئولیت مدنی قهری، شرکت‌های تولیدکننده و خدماتی مسئول عیوب محصول و خدمات خود شناخته شوند، به‌طور معمول این هزینه‌ها را از طریق افزایش قیمت کالا و خدمات به مصرف‌کنندگان منتقل می‌نمایند، همین مسئله موجب می‌گردد که قیمت این نوع کالاهای معیوب یا خطرناک

اقدام متضرر شده است، می‌تواند منافع ناشی از قرارداد دوم را مطالبه نماید. به طور مثال قرارداد شخص الف با شخص ب یک پوند بوده است و شخص ب با نقض قرارداد با شخص ج قراردادی به ارزش سه پوند منعقد می‌کند، بر طبق این تئوری، شخص الف می‌تواند با طرح دعوا، منافع ناشی از قرارداد دوم را مطالبه نماید. در حال حاضر تعداد زیادی پرونده در این خصوص در حقوق آمریکا و انگلیس مطرح شده و این نوع جبران خسارت عملاً مورد پذیرش محاکم آن کشورها قرار گرفته است. هدف اصلی این قاعده نیز این است که با محروم کردن ناقض قرارداد از سود قرارداد بعدی و دادن آن به متعهدله قرارداد اصلی، از موارد نقض قرارداد به دلیل سودجویی جلوگیری نماید.

پذیرش امکان استرداد منافع ناشی از طمع‌ورزی بنا به دلایلی بوده است. نخست آنکه اجرای آن این تضمین را با خود خواهد داشت که طرفین قرارداد، تعهد بی‌اساسی که قصد حفظ و اجرای آن را ندارند، را بر عهده نگیرند؛ چراکه در این فرض، ملاک جبران خسارت تنها بازگرداندن خسارت واقعی نیست، بلکه جبران خسارت می‌تواند بیشتر از خسارت واقعی بوده و باشد و حتی می‌تواند سود ناقض قرارداد از انعقاد قرارداد جدید را شامل شود. بنابراین، پذیرش استرداد منافع ناشی از طمع‌ورزی باعث می‌شود تا اشخاص به حفظ قراردادهای خود تمایل بیشتری پیدا کنند و به‌صرف دریافت یک پیشنهاد بهتر، به نقض قرارداد اول و انعقاد قرارداد جدید نپردازند. حتی در پرونده‌ای در حقوق آمریکا، دادگاه عالی نیوجرسی در استدلال خود در رأی صادره، معتقد بوده برای استفاده از دیسکورجمنت نیازی به ورود خسارت به خواهان دعوا نیست، بلکه صرف سود ناقض قرارداد در قرارداد دیگر کافی است خواه خسارتی به طرف زیان‌دیده وارد آمده باشد یا خیر؛ زیرا نباید ناقض قرارداد اجازه پیدا کند با رفتار غیرقانونی خود مبلغی متفاوت (سود)ی را از قرارداد کسب کند.^۱ این رویکرد مطابق با کارکرد پیشگیرانه

در این پرونده، خواننده که وکیل دادگستری بود، به‌عنوان مدیر در یک شرکت استخدام شد و اداره سرمایه‌گذاری‌های آن را به عهده گرفت. خواننده در دوران فعالیت خود تخلفات متعددی را مرتکب شد، از جمله نقض وظیفه وفاداری به شرکت و پیگیری منافع شخصی خود در سرمایه‌گذاری‌های بعدی شرکت. پس از مطالبه خسارات از سوی خواهان که شامل مطالبه منافع ناشی از طمع‌ورزی خواننده نیز بود، وی در دفاعیات خود بیان داشت که در نتیجه اعمال وی ضرر مالی به خواهان وارد نشده و تنها وی سودی اضافه را کسب کرده است که این استدلال به شرح بیان‌شده مورد توجه دادگاه قرار نگرفت.

1 Reid-Newfoundland Company v Anglo-American Telegraph Company, [1912] AC 555 (PC); British Motor Trade Association v Gilbert, [1951] 2 All ER 641, 2 TLR 514 (Ch); Lake v Bayliss, [1974] 2 All ER 1114, [1974] 1 WLR 1073 (Ch); Wrotham Park Estate Co Ltd v Parkside Homes Ltd, [1974] 2 All ER 321, [1974] 1 WLR 798 (Ch).
2 Kaye v. Rosefield, No. A-93-13 (Sept. 22, 2015)

در اغلب موارد در قراردادهای استاندارد و قراردادهای یک‌طرفه به کار می‌رود، اما قابلیت اعمال در تمامی اقسام قراردادها را دارد. (American Law Institute, 1981: p. 206) در واقع استفاده از این قاعده در قراردادهای استاندارد و یا سایر قراردادها موجب شناسایی نوعی مسئولیت محض برای نویسنده قرارداد یا شرط می‌شود؛ چراکه در عمل در صورت وجود ابهام در قرارداد بدون نیاز به احراز هیچ نوع تقصیری از سوی انشاکننده، مورد ابهام به ضرر وی تفسیر می‌گردد. (Kenneth, 1996: 531-538)

از این قاعده در غالب اسناد بین‌المللی که به‌منظور وحدت قواعد قراردادهای بین‌المللی تهیه‌شده منصوص شده است، به‌طور مثال در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، تحت عنوان قاعده تقدم تفسیر به زیان تنظیم‌کننده قرارداد بیان گردیده:

«اگر شروطی از قرارداد که توسط یک‌طرف ارائه‌شده‌اند واضح نباشند، تفسیر آن شروط علیه طرف مزبور مرجح خواهد بود»^۲.

در توضیح ماده مذکور گفته‌شده که: «ممکن است یکی از طرفین قرارداد به دلیل انشای شروطی خاص و یا پیشنهاد آن (برای مثال با استفاده از شروط استاندارد) که توسط دیگران تهیه‌شده) مسئول تنظیم آن قرار گیرد. چنین طرف قراردادی باید مسئولیت واضح نبودن احتمالی جمله‌بندی نهایی انتخاب‌شده را بپذیرد». (UNIDROIT principle,) (2010: 144)

بنابراین، می‌توان در تعریف قاعده تفسیر علیه انشاکننده بیان داشت:

«قاعده‌ای است که بر طبق آن، در موارد اختلاف، ابهامات و خلأهای قراردادی علیه انشاکننده قرارداد و ابهامات ناشی از شروط قرارداد، علیه انشاکننده آن شروط تفسیر خواهد شد».

حتی در صورتی که قاعده تفسیر علیه انشاکننده منجر به ارائه اختیاری اطلاعات بیشتر و یا به‌کارگیری شروط کارآمدتر نشود، همچنان به‌عنوان یک ابزار اصلاحی کاربرد دارد. (سربازیان و رستم‌زاد اصلی، ۱۳۹۶: ۶) در این معنا قاعده تفسیر علیه انشاکننده هنگامی از سوی دادگاه مورد استفاده قرار می‌گیرند که یک فروشنده قدرتمند (دارای قدرت معاملاتی بالاتر) قراردادی را بدون امکان مذاکره در مورد شروط آن با

بالاتر رفته و در بازار از آنها استقبال نشود. (Eisenberg,) (1998: 350)

همچنین پذیرش چنین نظریه‌ای باعث می‌شود که جلوی دارا شدن ناعادلانه ناقض قرارداد را بگیرد؛ چراکه ناقض قرارداد، قرارداد اول را با توجه به محاسبه منافع خود در قرارداد دیگر، نقض می‌کند و اقدام به سودآوری با انعقاد قرارداد دوم می‌نماید. دارا شدن ناعادلانه در حقوق ایران به‌صراحت مورد پذیرش قرار نگرفته است، اما از وجود موادی در حقوق ایران می‌توان وجود چنین نهادی در حقوق ایران را هرچند به‌صورت قاعده‌ای فرعی مورد پذیرش قرار داد. تنها جایی که در قوانین ایران به‌صراحت از لفظ دارا شدن بلاجهت استفاده شده است، ماده ۳۱۹ قانون تجارت است. در کنار این ماده، با استنباط از موادی دیگر از جمله ماده ۳۰۱، ۳۰۵، ۳۳۶ و ۳۳۷ قانون مدنی می‌توان پذیرش چنین قاعده‌ای را در حقوق ایران مورد پذیرش قرارداد. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۹۴ و ۱۹۵)

با وجود این، نظریه دیسگورجمنت از منظر عدالت اصلاحی با این چالش روبه‌رو است که تنها به منافع تحصیل‌شده برای طرف ناقض قرارداد توجه دارد و به ضرر تحمیل‌شده به طرف غیر ناقض توجه نمی‌کند. از سوی دیگر، باید توجه داشت که دیسگورجمنت تنها در صورتی از منظر عدالت اصلاحی قابل توجیه است که اشتباهی را که خواهان (به دلیل اقدام خوانده) از آن متضرر شده است جبران کند. با وجود این، این ایراد با تبیین دقیق «اجرای قرارداد» قابل حل است. در مواردی که اجرای قراردادی مشابه با شخص ثالث، نقض حق مالکانه متعهدله در اجرای قرارداد است، باید پذیرفت که هیچ یک از دو ایراد فوق مطرح نخواهد شد.

۲. عدالت اصلاحی در تفسیر قرارداد علیه انشاکننده

این قاعده که در لاتین *contra stipulatorem* و در انگلیسی *contra proferentem* نام دارد، به معنای تفسیر علیه انشاکننده قرارداد (سربازیان و رستم‌زاد اصلی، ۱۳۹۶: ۳) و یا تفسیر به زیان تنظیم‌کننده (شریفی آل هاشم و حاتمی، ۱۳۸۷: ۷۸) قرارداد معنی شده است. به‌موجب این قاعده، هنگامی که یک تعهد، قرارداد یا شرط مبهم است، معنایی مرجح است که علیه انشاکننده آن کلمات باشد. (American Law Institute, 1981: 206) باوجود اینکه این قاعده

۲. بند ۶ ماده ۴ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی در باب تفسیر قرارداد.

1 Contractual performance

قلمرو اعمال عدالت اصلاحی در حوزه قراردادهای در حقوق ایران

در مورد اعمال عدالت اصلاحی در حقوق قراردادهای ایران باید توجه داشت، با وجود اینکه مصادیق گفته شده عدالت اصلاحی کارکردهای مثبت فراوانی دارد، اما نباید در استفاده از آن راه افراط در پیش گرفت. نظام حقوق باید تا حد امکان به توافق-های طرفین احترام گذارد و موارد دخالت در قراردادهای خصوصی باید محدود به مواردی شود که عدالت قراردادی به صورت شدیدی نقض شده باشد. از سوی دیگر در اعمال قواعد عدالت اصلاحی باید تا حد امکان از طریق قانونگذاری صورت گیرد و تنها در موارد استثنائی از طریق قضات اعمال شود. علت این امر نیز مشخص است؛ چرا که طرفین قرارداد در حین انعقاد قرارداد می‌توانند با اشراف به قوانین حقوق و تعهدات خود و تغییرات بعدی را که ممکن است پیش‌بینی نمایند، اما در مورد دخالت‌های قضایی، امکان پیش‌بینی کمتری برای طرفین قرارداد وجود دارد. در نهایت، همان‌طور که در مورد قاعده تفسیر علیه انشاکننده و استرداد منافع ناشی از طمع‌ورزی اشاره شد، بهتر است که اختیارات قاضی در بررسی این موارد در قانون پیش‌بینی شده و حدود و ثغور آن مشخص گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

نظریه عدالت اصلاحی به‌عنوان یکی از دو نظریه اصلی در خصوص عدالت در حوزه مسئولیت‌های قهری و قراردادی کاربرد دارد. البته بررسی صورت‌گرفته نشان داد که در بادی امر، به دلیل مطلق بودن مسئولیت در مسئولیت‌های قراردادی و ابتدائی نظریه عدالت اصلاحی بر عمل اشتباه، برخی صاحب‌نظران این نظریه را محدود به مسئولیت‌های خارج از قرارداد نمودند. با وجود این، با تفسیری که از عمل اشتباه در مقاله حاضر صورت گرفت، مشخص شد که برخی از مصادیق مسئولیت‌های قراردادی ذیل تئوری عدالت اصلاحی قرار می‌گیرند. در واقع، در مواردی که جبران خسارت‌های قراردادی به میزانی فراتر از خسارات واقعی صورت می‌گیرند، تئوری‌های معمول پاسخگوی چرایی آن نبوده و پاسخ را باید در لزوم برقراری عدالت اصلاحی یافت. در عین حال، همان‌گونه که در بررسی صورت گرفته مشخص شد، با وجود اینکه بسیاری از موارد با فقه و حقوق ایران در اشتراک است، اما تئوری عدالت اصلاحی هیچ‌گاه به‌عنوان یکی از ارکان مسئولیت‌های

دیگری منعقد کرده است. بنابراین، می‌توان دید که هر دو به‌عنوان ابزاری برای حمایت از آزادی‌های فردی به کار می‌رود. امروزه دادگاه‌ها با پرونده‌های بسیاری مواجه می‌شوند که به دلیل تحمیل شروط قراردادی و یا تحمیل کل قرارداد از سوی یکی از طرفین آن به دیگری، آزادی‌های فردی افراد همچون حق بر درخواست جبران خسارت از دادگاه، حق بر الزام طرف مقابل به اجرای عین قرارداد و حقوق مشابه آن در معرض خطر قرار می‌گیرند. در چنین وضعیتی، دادگاه‌ها در تلاش برای اصلاح رابطه طرفین به سمت عدالت از قواعدی همچون تفسیر علیه انشاکننده استفاده می‌کنند.

در حقوق ایران، آیین‌نامه شماره ۸۱ در خصوص مقررات تعیین حق بیمه کلیه رشته‌های بیمه‌ای، مصوب شورای عالی بیمه، مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱۵. این ماده مقرر داشته: «مسئولیت درج صحیح اطلاعات در بیمه‌نامه بر عهده بیمه‌گر است و موارد اجمال، ابهام یا اختلاف در مندرجات بیمه‌نامه یا سایر مستندات به نفع بیمه‌گذار یا ذینفع تفسیر می‌شود». علاوه بر این، نمونه اعمال این قاعده در حقوق قراردادهای ایران را می‌توان در لزوم تفسیر مضیق از شروط محدودکننده و سالب مسئولیت نیز مشاهده کرد. در واقع، در صورتی که انشاکننده قرارداد، در درج شروط مزبور و یا در قرارداد بیمه ابهامی باقی گذارد، می‌تواند با استفاده از این عمل خطا خود اقدام به کسب منفعت به ضرر طرف مقابل نماید. همین مسئله موجب شده که دکترین حقوقی در حقوق ایران، به لزوم اعمال قاعده تفسیر علیه انشاکننده در این موارد توجه نماید.

هرچند که در تألیفات مزبور به قدرت کنترل نگارنده شروط یا قرارداد بر متن قرارداد و یا سوءاستفاده وی از این قدرت به‌عنوان مبنای اعمال دکترین تفسیر علیه انشاکننده اشاره شده است، اما همان‌طور که بیان شد، یکی از اصلی‌ترین مبانی اعمال این دکترین در حقوق قراردادهای و از جمله حقوق قراردادهای ایران، عدالت اصلاحی است که می‌تواند خطای صورت‌گرفته از سوی نگارنده شرط یا قرارداد را اصلاح نماید.

۱. در این خصوص ر.ک. به آرا صادره در دعاوی ذیل:

Armendariz v. Found. Health Psychcare Servs, 6 P.3d 669, 767 (Cal. 2000). Other states engage in broad, totality-of-the-circumstances inquiries. See Scovill v. WSYX/ABC, 425 F.3d 1012, 1017 (6th Cir. 2005).

دیانی، عبدالرسول؛ براهیم باستانی، معصومه. (۱۳۹۶). «جبران خسارت ناشی از صدمات بدنی در حقوق ایران و انگلیس».

تحقیقات حقوقی آزاد، دوره ۱۰، شماره ۳۶.

سربازیان، مجید؛ رستم‌زاد اصلی، سروش. (۱۳۹۶). «مبانی و کارکرد قاعده تفسیر علیه اشاکنده در حقوق قراردادها». *دوفصلنامه دانش حقوق مدنی*، سال ۶، شماره ۱.

شریفی آل هاشم، سیدالهام الدین؛ حاتمی، حسن. (۱۳۸۷). «قاعده تقدم تفسیر قرارداد به زیان متعهدله و یا تنظیم‌کننده». *نامه مفید*، دوره ۱۴، شماره ۷۰.

صادقی، مرضیه. (۱۳۸۱). «عدالت به‌عنوان فضیلت نفس». *مجله پژوهش‌های فلسفی - کلامی*، شماره ۱۳ و ۱۴.

صفایی، سید حسین. (۱۳۸۲). *قواعد عمومی قراردادها*. جلد ۲. تهران: نشر میزان. چاپ ۱.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۴). *الزام‌های خارج از قرارداد*. جلد ۱. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ ۲.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۶). *الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری، مسئولیت مدنی، غصب و استیفا*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. چاپ ۸.

معلوف، لوئیس. (۱۹۷۳). *المنجد فی اللغة و الاعلام*. بیروت: دار المشرق.

قراردادی مطرح نشده و البته، این امر به این دلیل است که این تئوری در حقوق کامن‌لا نیز نسبتاً نوین است.

در عین حال، در مقاله حاضر دو مصداق مهم جبران خساراتی که مستقیماً مبتنی بر این نظریه می‌باشند و بر اساس سایر نظریات در خصوص مسئولیت مدنی قابل جبران نمی‌باشند؛ یعنی قاعده دیسگورجمنت و قاعده تفسیر علیه اشاکنده قرارداد مورد بحث قرار گرفت و مشخص شد که این دو قاعده مستقیماً بر مبنای تئوری عدالت اصلاحی قابل توجیه هستند و در هر دوی آنها، اصلاح عمل خطا که موجب شده یکی از طرفین به زیان طرف دیگر منافی را بیندوزد، مدنظر دادگاه‌ها بوده است. البته همان‌گونه که اشاره شد، کارکرد تئوری عدالت اصلاحی محدود به موارد فوق نبوده و برخی حقوقدانان معتقدند که در آینده، تشریح بسیاری از اصول حقوق قراردادها بر مبنای این تئوری صورت خواهد گرفت:

اعمال عدالت اصلاحی به عنوان قاعده عمومی

منابع

جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۷). *ترمینولوژی حقوق*. تهران: گنج دانش. چاپ ۱۹.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۸). *حقوق تعهدات*. تهران: انتشارات گنج دانش. چاپ ۳.

American Law Institute (1981). *The Scope of Contractual Obligations*. Restatement (Second) of Contracts 2. St. Paul, Minnesota: American Law Institute Publishers.

Aristotle, Nicomachean (1999). *Ethics*. Hackett Publishing Company. Inc, 2nd edition.

Benson, Peter (2001). *The Expectation and Reliance Interests in Contract Theory: A Reply to Fuller and Purdue*. Issues in Legal Scholarship. <http://www.bepress.com/cgi/viewcontent.cgi?article=1004&context=ils>.

Calabresi, Guido (1970). *The Costs of Accidents: A Legal and Economic Analysis*. New Haven: Yale University Press.

Coleman, Jules (1975). *Justice and the Argument for No-Fault*. Social Theory and Practice (3).

Coleman, Jules (1992a). "Risks and Wrongs". *Harvard Journal of Law & Public Policy*, (15).

Coleman, Jules (1992b). "Tort Law and the Demands of Corrective Justice". *Indiana Law Journal*, 67 (2).

Coleman, Jules (1998). *Second Thoughts and Other First Impressions*. In *Analyzing Law: New Essays in Legal Theory*. Brian Bix ed, Oxford Clarendon Press.

Coleman, Jules (1982). "Corrective Justice and Wrongful Gain". *The Journal of Legal Studies*, (11), (2).

Eisenberg, Theodore (1998). "Measuring the Deterrent Effect of Punitive

- Damages". *Georgetown Law Journal*, 87.
- Fletcher, George (1972). *Fairness and Utility in Tort. Theory, Harvard. Law Review*, 85.
- Fried, Barbara (2001). *The Progressive Assault on Laissez Faire: Robert Hale and the First Law and Economics Movement*. Harvard University Press.
- Fuller, L. & Perdue, William (1936). "The Reliance Interest in Contract Damages". *Yale Law Journal*, 46.
- Kennedy, Duncan (1982). *Distributive and Paternalist Motives in Contract and Tort Law*. With Special Reference to Compulsory Terms and Unequal Bargaining Power. Maryland Law Review, 41.
- Kronman, Anthony (1980). "Contract Law and Distributive Justice". *YALE Law Journal*, 89.
- Malin, Martin (No Date). "The Distributive and Corrective Justice Concerns in the Debate over Employment At-Will: Some Preliminary Thoughts – Chicago-Kent Dedication Symposium: Topics in Jurisprudence". *Chicago-Kent Law Review*, Volume 68, Issue 1.
- Owen, David (1985). "Deterrence and Desert in Tort: A Comment". *California Law Review*, 73 (3).
- Perry, Stephen R. (1992). "Comment on Coleman, Corrective Justice". *Indian Law Journal*, 67.
- Prosser, William (1978). *Law of Tort*. West Publishing Company.
- Sadanand, Asha (1989). "Protection of Seller's Interests under Buyer's Breach". *The Canadian Journal of Economics*, Vol. 22, No. 4.
- Virgo, Graham (2006). *The Principles of the Law of Restitution*. New York: Oxford University Press.
- Weinrib, Ernest (1983). "Toward a Moral Theory of Negligence Law". *Law and Philosophy*, 2 (1).
- Weinrib, Ernest (2000). "Restitutionary Damages as Corrective Justice". *Theoretical Inquiries in Law*, Vol. 1, No. 1.
- Weinrib, Ernest (2003). "Punishment and Disgorgement as Contract Remedies". *Chicago-Kent Law Review*, Vol. 78, No. 1, 2003.
- Weinrib, Ernest (2012). *The idea of Private law*. Oxford University Press; Revised edition.